

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۹ (بایز و زمستان ۱۴۰۰) شماره صفحات: ۵۹ - ۹۹

### بررسی نظام مطابقه در بنافی، پاپونی، دوسیرانی، ریچی،

### سُمنانی، گُرنائی، مُسقانی و نودانی بر پایه الگوهای کامری (۱۹۷۸)

شهرام گرامی\*<sup>۱</sup>

۱. مدرس دانشکده فنی شهید باهنر شیراز، دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و مقایسه نوع نظام مطابقه احتمالی در گویش‌های بنافی، پاپونی، دوسیرانی، ریچی، سُمنانی، گُرنائی، مُسقانی و نودانی است. این بررسی، به لحاظ رده‌شناختی، در چارچوب الگوهای کامری (۱۹۷۸)، برای بازنمایی فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی در بندهای لازم و متعدی صورت می‌گیرد. الگوهای مورد نظر عبارتند از: (الف) خنثی، (ب) فاعلی-مفعولی، (ج) کنایی-مطلق، (د) سه‌بخشی و رده (ه) که کامری نامی برای آن پیشنهاد نکرده است، یعنی، رده غیرفاعلی-غیرفاعلی (دبیرمقدم، ۲۰۱۲). این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و پیکره مورد استفاده در آن برگرفته از دفتر دوم گنجینه گویش‌شناسی فارس (سلامی، ۱۳۸۴) و دو اثر دیگر در گویش پاپونی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که از میان گویش‌های مورد مطالعه، فقط گویش ریچی مطابقه یک‌دست فاعلی-مفعولی دارد. سایر گویش‌های این پژوهش، مطابقه دوگانه دارند. یعنی، (۱) مطابقه «فاعلی-مفعولی» در فعل‌های لازم، فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی در ساخت‌های زمان حال و (۲) مطابقه «غیرفاعلی-مفعولی» در بندهای متعدی مشتق از ساخت‌های گذشته. علی‌رغم این که مطابقه غیرفاعلی-مفعولی در زبان‌های ایرانی به رده‌های سه‌بخشی، کنایی-مطلق و غیرفاعلی-غیرفاعلی دسته‌بندی می‌شود، بر پایه داده‌های زبانی حاضر، مطابقه غیرفاعلی-مفعولی در گویش‌های مورد بررسی غالباً سه‌بخشی است. در میان این گویش‌ها، بنافی بیش‌تر از سایر گویش‌ها، ویژگی‌های نظام غیرفاعلی-مفعولی خود را از دست داده است و این تغییر در هم‌سوئی بیش‌تر با نظام فاعلی-مفعولی می‌باشد.

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۳۰ مردادماه ۱۴۰۰  
پذیرش: ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۰

#### واژه‌های کلیدی:

الگوهای مطابقه

شناسه فعلی

مطابقه فاعلی

مفعولی

مطابقه غیرفاعلی

مفعولی

واژه‌بست غیرفاعلی

## ۱. مقدمه

این مقاله کارکرد نظام مطابقه شخص را در چارچوب پنج نظام منطقاً محتمل کامری<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) در گویش‌های بنافی، پاپونی، دوسیرانی، ریچی، سُمغانی، گرگنائی، مُسقانی و نودانی بررسی می‌کند. غالب گویش‌های مورد بررسی در منطقه کوهمره فارس واقع شده‌اند. در خصوص جغرافیای منطقه، (جوکار ۱۳۸۸ به نقل از انصاری (۱۳۸۹: ۳) عنوان می‌کند که رشته کوه‌های زاگرس به موازات هم به سوی جنوب شرق امتداد دارند. در حد فاصل شمال کازرون تا جنوب شرق شیراز، منطقه‌ای سرسبز با آب و هوایی متنوع مرسوم به کوهمره بوجود آورده است. گویا قدیمی‌ترین سند مکتوب که از این منطقه بنام کوهمره نام برده، روزنامه ملاجلال منجم در سال ۹۹۸ هجری در زمان شاه عباس صفوی است. فارسنامه ناصری در این منطقه از کوهمره پشت کوه، کوهمره جروق و کوهمره شکان نام برده است (فسایی، ۱۳۶۷ به نقل از انصاری: ۱۳۸۹: ۳). موقعیت مکانی گویش‌های پیش‌گفته برگرفته از دفتر دوم گنجینه گویش‌شناسی فارس (سلامی، ۱۳۸۴: ۱۴-۲۶) در ادامه بیان می‌شود. بناف، به تلفظ محلی بنو<sup>۲</sup> [bænow]، با جمعیتی حدود ۱۰۰۰ نفر، روستایی از دهستان کمارنج، بخش خشت کازرون است که در فاصله ۳۰ کیلومتری غرب این شهر واقع است. پاپون (با نام قدیم پاپهن) یکی از بیست و چند پارچه روستای کوهمره نودان است که در ۲۰ کیلومتری جنوب چنارشاہیجان واقع شده است. جمعیت آن حدود ۳۵۰ خانوار می‌باشد. دوسیران، [dosorun] در تلفظ محلی، نیز بخش کوهمره نودان محسوب می‌شود که رشته کوه پهن آن را از دشت کوهمره جدا می‌کند و تا چنارشاہیجان حدود ۲۰ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت آن حدود ۶۰۰ خانوار است.

ریچی [retʃi/ritʃi] مرکز دهستان کوهمره سرخی واقع در ۴۰ کیلومتری غرب شهرستان شیراز است. بنا به اظهار مردم ریچی، تعدادی از اهالی که به آغوون [aɣovun] معروفند، از طایفه آقائی کهگیلویه و بویراحمد هستند که به دلیل اختلافات قومی از آن‌جا کوچ کرده و به نقطه‌ای از کوهمره سرخی به نام تنگ بنگر [tæŋ-e benger] آمده و ساکن شده‌اند. جمعیت روستا حدود ۱۰۰ خانوار بوده که امروز فقط ۷۰ خانوار آن در روستا مانده و بقیه به شیراز

<sup>۱</sup> B. Comrie

<sup>۲</sup> برای تلفظ درست زنجیره‌های آوایی به پیوست‌های (۱)، (۲) و (۳) در پایان مقاله رجوع شود.

مهاجرت کرده‌اند. سُمغان، در تلفظ محلی [somyun]، در ۱۲ کیلومتری شرق چنارشاهیجان و در پشت کوه‌پهن، بعد از تنگه‌ای در سینه‌کش کوه واقع است. جمعیت آن حدود ۴۲۰ خانوار است. مردم سُمغان خود را از اهالی سمنگان می‌دانند و معتقدند که اجدادشان از منطقه جاوید واقع در شمال نورآباد ممسنی بدین نقطه کوچ کرده‌اند.

روستای گرگنا در ۵ کیلومتری جنوب گاوکشک واقع است. مردم گرگنا در اصل اهل گاوکشک بوده‌اند که در چند دهه گذشته به دلیل اختلافات قومی نقل مکان کرده و در محل فعلی ساکن شده‌اند. به همین دلیل دو گویش گرگنا و گاوکشک جز در تلفظ بعضی واژه‌ها، یکسان است. جمعیت گرگنا حدود ۱۰۰ خانوار است. مُسقان، در تلفظ محلی [mosqun]، آخرین روستای کوهمره سرخی که در بین دو کوه بیل و دودو واقع است. این روستا در ۶۲ کیلومتری جنوب غربی شیراز واقع است و جمعیتی حدود ۴۰۰ خانوار دارد. نودان، در تلفظ محلی nudun، مرکز بخش کوهمره نودان کازرون است. این روستا در ۴۰ کیلومتری شمال کازرون و حدود ۱۲ کیلومتری شرق چنارشاهیجان، با فاصله ۲ کیلومتری از جاده اصلی فارس-خوزستان واقع است. جمعیت روستا ۵۲۰ خانوار است.

هدف از نگارش این مقاله شناسایی و مقایسه نوع نظام مطابقه<sup>۱</sup> احتمالی در گویش‌های مزبور بر پایه الگوهای کامری (۱۹۷۸) در جمله است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: (۱) گویش‌های مورد بررسی برای بازنمایی فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی در بندهای لازم و متعدی، از چه الگوهای مطابقه بهره می‌برند. (۲) آیا سازوکار مطابقه در گویش‌های مورد بررسی یکسان است.

نمونه‌های زبانی موجود در این پژوهش، برگرفته از دفتر دوم گنجینه گویش‌شناسی فارس (سلامی، ۱۳۸۴) هستند. از دو اثر دیگر به تألیف انصاری (۱۳۸۹) و کشاورزی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در گویش پاپونی استفاده شده است که نام مؤلف یا مؤلفان آن‌ها، جهت ارجاع‌دهی به نمونه‌ها ذکر شده است. روش مطالعه در این مقاله توصیفی-تحلیلی است.

<sup>1</sup> alignment/ agreement system

در این پژوهش، بعد از مقدمه و پیشینه پژوهش، در بخش چارچوب نظری پژوهش، پنج نظام منطقیاً محتمل کامری (۱۹۷۸) برای اختصاص حالت به فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی معرفی می‌شوند. بخش تحلیل داده‌ها به بررسی دستوری شناسه‌های فعلی، نشانه و جایگاه اسم مفعول در فعل‌های لازم، واژه‌بست‌های<sup>۱</sup> فاعلی، پیشوندهای قاموسی و صرفی و مطابقه در بندهای دستوری اختصاص داده شده است. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش در بخش نتیجه‌گیری به‌طور موجز جمع‌بندی می‌شوند.

### ۱-۱. مفاهیم کلیدی

لازم است که با چند اصطلاح ویژه در این زمینه آشنا شویم.

۱-۱-۱. **مطابقه:** مطابقه<sup>۲</sup> را که مطابقت، هم‌نمایی<sup>۳</sup> و ارجاع متقابل<sup>۴</sup> نیز خوانده‌اند، سازوکاری است برای صورت‌بندی نقش‌های دستوری فاعل و مفعول. بارزترین جلوه مطابقه همان تطابق فعل و فاعل است که به صورت پسوند مطابقه فاعلی یا همان شناسه در فعل بازنمایی می‌شود (مانند پسوندهای -ایم، و -اند در مثال‌های رفته‌ایم و نوشتند) (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۸). علاوه بر شناسه‌های فعلی، دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۶-۴۷) نیز با اندرسن<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) هم‌عقیده است که ضمیرهای واژه‌بستی<sup>۶</sup> یا همان ضمیرهای متصل را گونه‌ای از مطابقه برشمرد. به عنوان نمونه، در اکثر زبان‌های ایرانی رایج در ایران از سازوکار ضمیر واژه‌بستی یا همان ضمیرهای متصل برای ارجاع به فاعل دستوری فعل‌های متعدی در زمان گذشته استفاده می‌شود. همچنین در زبان فارسی امروز، این ضمیرها برای ارجاع به مفعول (محدوف) جمله‌ها به کار می‌روند (مانند واژه‌بست‌های ضمیری -آش در بردمش و -مان در جزء غیر فعلی فعل مرکب (خوشحال مان کردی) (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴۶).

1 clitics

2 verbal agreement

3 indexation

4 cross-referencing

5 S. R. Anderson

6 Pronominal clitic

۱-۲. واژه‌بست: به گفته اسپنسر<sup>۱</sup> (۱۹۹۱: ۳۵۰)، واژه‌بست‌ها عناصری هستند که در برخی مشخصه‌ها شبیه به واژه‌های کامل هستند، اما مانند واژه‌های کامل مستقل نیستند. به بیان دیگر، واژه‌بست نمی‌تواند به تنهایی به کار رود و باید به لحاظ آوایی به پایه خود متکی باشد. این ویژگی باعث شده است تا اندازه‌ای شبیه وندها، به‌ویژه وندهای تصریفی شوند. اسپنسر معتقد است که واژه‌بست‌ها، به لحاظ تاریخی، صورت تبدیل‌یافته‌ی واژه‌های کامل به وندهای تصریفی هستند و به لحاظ عملی و نظری نمی‌توان تعریفی یک‌دست و جامع برای واژه‌بست به‌دست داد.

## ۲. پیشینه پژوهش

یکی از موضوع‌های مورد علاقه رده‌شناسان زبان، شیوه‌ی بازنمایی روابط موضوع‌های اصلی جمله مثل فاعل فعل لازم، مفعول فعل متعدی و عامل یا فاعل فعل متعدی در جمله است. شیوه‌ی نشانه‌گذاری این سه موضوع اصلی جمله و یا نوع مطابقه آن‌ها با فعل در بندهای لازم و متعدی، مطابق با معیارهای پیشنهادی کامری (۱۹۷۸) در بخش‌های بعدی این مقاله خواهد آمد.

در خصوص ساخت کُنایی یا ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، کریمی (۱۳۹۱) به دو الگوی رایج قائل است. در الگوی اول، در بندهای متعدی در زمان گذشته، فاعل حالت‌نمای کُنایی/ غیرفاعلی<sup>۲</sup> و مفعول حالت‌نمای فاعلی می‌پذیرد. در این الگو، فعل به صورت کامل در مشخصه‌های شخص، شمار و جنس با مفعول مطابقه می‌کند. این الگو در کردی شمالی یا گرمانجی، بلوچی، تاتی کرینی، تاتی لردی، و تا حدودی تاتی کجلی رایج است. در الگوی دوم، فاعل فعل متعدی حالت کُنایی ندارد، بلکه به وسیله‌ی یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. فعل با مفعول مطابقه ندارد و شکل پیش‌فرض، یعنی وند/ شناسه‌ی سوم شخص مفرد می‌پذیرد. این الگو در برخی دیگر از زبان‌های ایرانی همچون دشتی، لارستانی، کردی مرکزی یا سورانی، تاتی دروی، تاتی کهلی، و تاتی گیلوانی حاکم است.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) نیز برخی از زبان‌های ایرانی نو را بر پایه‌ی الگوهای کامری (۱۹۷۸) مطالعه کرده و نتیجه می‌گیرد که زبان فارسی و شه‌میرزادی به لحاظ نظام مطابقه، به طور کامل

<sup>۱</sup> A. Spencer

<sup>۲</sup> oblique

فاعلی-مفعولی<sup>۱</sup> هستند. همچنین در میان گونه‌های مختلف بلوچی در ایران، بلوچی زابلی (یا همان سیستانی) و گونه‌های مختلف کردی جنوبی (شامل کردی کلهری و کردی کرمانشاهی) نیز نظام مطابقه یک‌سره فاعلی-مفعولی دارند. زبان‌های بلوچی (ایران‌شهری)، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی (سنندجی و بانه‌ای)، اورامی، لکی، دلواری، نائینی و تاتی مطابقه دوگانه یا گسسته<sup>۲</sup> دارند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۲۲). به بیانی دیگر، مطابقه در آن‌ها بر پایه دو نظام فاعلی-مفعولی و نظام غیرفاعلی-مفعولی<sup>۳</sup> استوار است.

اگرچه توصیف و تحلیل دستوری جامع و مفصلی در زمینه نظام مطابقه در گویش‌های بنافی، پاپونی، دوسیرانی، ریچی، سُمغانی، گُرنائی / گاوکُشکی، مُسقانی و نودانی صورت نگرفته است، اما می‌توان به آثار مهمی در این زمینه اشاره کرد. دفتر دوم گنجینه گویش‌شناسی فارس تألیف عبدالنبی سلامی (۱۳۸۴) مجموعه‌ای است از ۲۳۰۰ واژه و ۱۰۰ جمله پایه که داده‌های خام را در گویش‌های بنافی، پاپونی، دوسیرانی، ریچی، سُمغانی، کلانی (تاجیکی)، گُرنائی / گاوکُشکی، مُسقانی و نودانی در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

دو اثر دیگر نیز در گویش پاپونی نگاشته شده‌اند که نگارنده به آن‌ها دست یافته است. انصاری (۱۳۸۹)، کاربردها و معانی مختلف انواع زمان دستوری (گذشته و غیرگذشته) با زمان واقعی را در گونه پاپونی گویش کوهمره‌ای در مقایسه با فارسی معیار بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که همواره میان زمان دستوری و زمان واقعی انطباق کامل وجود ندارد. گاهی یک زمان دستوری ممکن است به زمان دیگری اشاره کند و گاهی چند زمان دستوری متفاوت به یک موقعیت مشابه اشاره دارند و یا یک زمان دستوری به چند موقعیت مختلف اشاره دارد. با توجه به وابستگی مقوله زمان دستوری با وجه و نمود، به مقوله نمود و وجه نیز پرداخته شده است.

کشاورزی و همکاران (۱۳۹۸) بیان می‌کنند که فعل در گویش پاپونی مانند دیگر زبان‌های ایرانی میانه بر اساس دو ماده مضارع و ماضی ساخته می‌شود. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که شیوه صرف افعال گذرا و ناگذرا در این گویش با هم متفاوت است. آن‌ها بدون در نظر گرفتن تفاوت

<sup>1</sup> nominative-accusative

<sup>2</sup> split agreement

<sup>3</sup> non- nominative-accusative

بین شناسه فعلی و واژه‌بست ضمیری و تعریف ساخت ارگتیو اظهار داشته‌اند که برای صرف افعال گذرا هم‌چون فارسی میانه، شناسه‌ها ابتدای فعل می‌آیند. همچنین شناسه‌های فعل‌های گذرا و ناگذرا نیز از یکدیگر متفاوت هستند، به گونه‌ای که می‌توان این گویش را از خانواده زبان‌های ارگتیو دانست. این نوشتار بر آن است از یافته‌ها و داده‌های زبانی مرتبط با نظام مطابقه در دو اثر اخیر بهره برد.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

نظام مطابقه، شیوه بازنمایی روابط موضوع‌های اصلی جمله مثل فاعل فعل لازم، مفعول فعل متعدی و عامل یا فاعل فعل متعدی در جمله است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۲۲۲ تا ۱۲۳۲) تصریح می‌کند که در اکثر زبان‌های ایرانی متداول در ایران، نظام مطابقه دوگانه است. دبیرمقدم (۱۳۹۲) بر پایه الگوهای مطابقه کامری (۱۹۷۸)، مطابقه در زبان‌های ایرانی نو مورد مطالعه را به دو دسته فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی-مفعولی تقسیم‌بندی کرده است. فارسی، شهمیرزادی، بلوچی زابلی یا سیستانی، کردی جنوبی (کلهری و کرمانشاهی) نظام مطابقه یکسره فاعلی-مفعولی و بلوچی ایرانشهری، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی مرکزی (سنندجی و بانه‌ای)، اورامی، لکی، دلواری، نائینی و تاتی نظام مطابقه دوگانه، یعنی، فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی-مفعولی دارند. مطابقه غیرفاعلی-مفعولی خود به سه رده سه‌بخشی<sup>۱</sup>، گنایی-مطلق<sup>۲</sup> و رده غیرفاعلی- غیرفاعلی<sup>۳</sup> صورت‌بندی شده است. در جمله‌های حاوی فعل لازم و نیز در جمله‌های حاوی فعل متعدی در زمان حال، نظام مطابقه فاعلی-مفعولی است. در جمله‌های حاوی فعل متعدی در زمان‌های مشتق از گذشته، نظام مطابقه غیرفاعلی-مفعولی است. از سوی دیگر، دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۱۷) عنوان می‌کند که در برخی از زبان‌های ایرانی که مطابقه دوگانه دارند، سازوکار مطابقه در فعل‌های وجهی مانند "خواستن"، "توانستن" و فعل تملکی "داشتن"، فارغ از تصریف زمانی آن‌ها،

<sup>1</sup> tripartite

<sup>2</sup> ergative-absolutive

<sup>3</sup> oblique-oblique

واژه‌بستی است. به بیانی دیگر، رفتار آن‌ها در مطابقه همچون رفتار فعل‌های متعدی در ساخت‌های گذشته در مطابقه غیر فاعلی-مفعولی است.

در این بخش، پنج نظام منطقاً محتمل کامری (۱۹۷۸) برای اختصاص حالت به فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی به طور مختصر معرفی می‌شوند.

### ۳-۱. مطابقه فاعلی-مفعولی

جدول (۱) مطابقه فاعلی-مفعولی

فاعل لازم	فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی
فاعل متعدی	مفعول (بدون مطابقه فاعلی/ مطابقه غیرمستقیم) / فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی

الگوی مطابقه فاعلی-مفعولی یک‌دست در زبان‌های ایرانی مانند زبان فارسی، شه‌میرزادی، بلوچی زابلی یا سیستانی، کردی جنوبی (کلهری و کرمانشاهی)، ویژگی مطابقه در فعل‌های لازم و متعدی، فارغ از هر زمان دستوری است. به بیانی دیگر، در این الگو مطابقه با فاعل فقط از طریق شناسه فعلی صورت می‌گیرد. مفعول اسمی یا ضمیری با فعل اصلی مطابقه‌ای ندارد. با وجود این، اگر مفعول فعل متعدی، با اسم یا ضمیر شخصی بازنمایی نشود، مطابقه به صورت غیرمستقیم از طریق واژه‌بست‌های مفعولی بازنمایی می‌شود. این الگو در زبان‌های ایرانی که مطابقه دوگانه دارند، در فعل‌های لازم فارغ از هر زمان دستوری و فعل‌های متعدی در زمان حال مشاهده می‌شود. به بیانی دیگر، اگر فعل متعدی در یکی از ساخت‌های گذشته باشد، شناسه فاعلی به ستاک فعل اضافه نمی‌شود.

### ۳-۲. مطابقه غیر فاعلی-مفعولی

مطابقه غیر فاعلی-مفعولی در زبان‌های ایرانی ظاهر می‌شود که مطابقه دوگانه دارند. این الگو در بندهای ساخته‌شده از فعل متعدی در ساخت‌های مشتق از زمان گذشته مشاهده می‌شود و فاعل فعل متعدی در تمام رده‌های آن، الزاماً به صورت واژه‌بست فاعلی ظاهر می‌شود. شیوه



بازنمایی مفعول فعل متعدی، الگوی مطابقه مذکور را به سه رده سه‌بخشی، کنایی-مطلق و غیرفاعلی-غیرفاعلی تقسیم می‌کند.

### ۳-۲-۱. رده سه‌بخشی

جدول (۲) مطابقه سه‌بخشی

فاعل لازم	(مطابقه مستقیم)	فعل (زمان حال / گذشته) + شناسه فاعلی
فاعل متعدی	(مطابقه مفعول (اسم یا ضمیر	فعل (ستاک گذشته)
غیرفاعلی)	(جدا)	

رده سه‌بخشی، معرف سه نمود متفاوت برای بازنمایی سه سازه بنیادین جمله است: (۱) فاعل فعل لازم که از طریق شناسه‌های فعلی بازنمایی می‌شود، (۲) مفعول فعل متعدی که به صورت اسم یا ضمیر جدا ظاهر می‌شود و (۳) فاعل فعل متعدی که الزاماً به وسیله واژه‌بست فاعلی ظاهر می‌شود.

1. mæ=m to di من تو را دیدم.

مثال (۱) (برگرفته از دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۳۷۴) نمونه‌ای از رده سه‌بخشی در گویش دوانی است. در این رده، فاعل فعل متعدی در زمان گذشته، یعنی، [m=] به صورت واژه‌بست ضمیری ظاهر می‌شود و فعل متعدی به صورت ستاک گذشته سوم شخص مفرد است. مفعول صریح [to] به صورت اسم، گروه اسمی و یا ضمیر شخصی جدا نمود می‌باید و با فعل متعدی مطابقه ندارد.

### ۳-۲-۲. رده کنایی-مطلق

جدول (۳) مطابقه کنایی-مطلق

فاعل لازم	(مطابقه مستقیم)	فعل (زمان حال / گذشته) + شناسه فاعلی
فاعل متعدی (مطابقه غیرفاعلی)	مفعول (شناسه یا مطابقه مستقیم)	فعل (ستاک گذشته)

در رده کنایی-مطلق، فاعل فعل لازم از طریق شناسه‌های فاعلی بازنمایی می‌شود. مفعول صریح یا غیرصریح در فعل‌های متعدی مشتق از زمان گذشته از طریق شناسه‌هایی بازنمایی

می‌شود که شبیه شناسه‌های فاعلی در مطابقه فاعلی-مفعولی هستند. فاعل فعل متعدی در زمان گذشته نیز، الزاماً به وسیله واژه‌بست‌های مطابقه فاعلی مورد ارجاع قرار می‌گیرد.

2. mi=f-bin-æm

او را می‌بینم.

3. u=f dit-æm

او مرا دید.

مثال‌های (۲) و (۳) (برگرفته از دبیرمقدم و گرامی، ۱۳۹۸: ۱۳۵) نمونه‌ای از رده کُنایی-مطلق در گویش بهبهانی است. شناسه فعل متعدی در زمان گذشته [-æm] (نمونه ۳) معرف مفعول جمله متعدی است. فاعل واژه‌بستی این بند [u=f] با فعل مطابقه ندارد. گفتنی است که شناسه مفعولی در جمله (۳) مانند شناسه فاعلی در نمونه (۲) است.

### ۳-۲-۳. رده غیر فاعلی-غیر فاعلی

جدول (۴) مطابقه غیر فاعلی-غیر فاعلی

فاعل لازم	(مطابقه مستقیم)	فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی
فاعل متعدی (مطابقه غیر فاعلی)	مفعول (مطابقه غیر فاعلی)	فعل (ستاک گذشته)

در رده غیر فاعلی-غیر فاعلی، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی هر دو از طریق مطابقه غیرمستقیم یا واژه‌بست‌های غیر فاعلی بازنمایی می‌شوند. مطالعات فریبگی

کمک‌اشان کردیم. 4. komæk=fe=me ke

نمونه (۴) (برگرفته از دبیرمقدم و گرامی، ۱۳۹۸: ۱۳۲) معرف رده غیر فاعلی-غیر فاعلی در گویش بهبهانی است. در این رده، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی به ترتیب به صورت‌های واژه‌بستی [=me] و [=e] نمود یافته‌اند و فعل متعدی بدون شناسه فاعلی است.

## ۳-۳. نظام خنثی

در این نظام، حالت‌نمای واحدی برای هر سه جایگاه نحوی، یعنی، فاعل فعل لازم، "فاعل فعل متعدی و مفعول فعل متعدی به کار می‌رود. به بیانی دیگر، این حالت‌نما ممکن است صفر باشد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶۱).

5. æli	sæva	sob	mi-f-u	علی فردا صبح می‌رود.
6. hæsaen	æli	ti bæy	of=di	حسن علی را در باغ دید.

نمونه‌های (۵) و (۶) (برگرفته از سلامی، ۱۳۸۴) معرف رده خنثی با گروه‌های اسمی در گویش دوسیرانی است. به عبارتی دیگر، فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی [æli] و همچنین فاعل فعل متعدی [hæsaen] حالت‌نمای صفر دارند.

## ۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش سازه‌های تشکیل‌دهنده فعل، واژه‌بست‌های فاعلی (که در اصل غیرفاعلی هستند) و همچنین وضعیت مطابقه در جمله، در گویش‌های بنافی، پاپونی، دوسیرانی، ریچی، سُمغانی، گُرنائی، مُسقانی و نودانی بر اساس الگوهای مطابقه در بخش ۳ بررسی و مقایسه می‌شوند.

## ۴-۱. شناسه‌های فعلی

جدول‌های (۵) و (۶) شناسه‌های فعلی را در گویش‌های ریچی، بنافی، پاپونی، دوسیرانی، سُمغانی، گُرنائی، مُسقانی و نودانی در فعل‌های لازم (ساخت‌های گذشته ساده و استمراری)، گذشته بعید فعل بودن، گذشته التزامی فعل بودن و فعل لازم آمدن در ساخت حال اخباری و التزامی مقایسه می‌کنند. از میان گویش‌های مزبور، فقط ریچی مطابقه فاعلی-مفعولی یک‌دست دارد. سایر گویش‌ها، مطابقه دوگانه مرکب از مطابقه فاعلی-مفعولی در بندهای ساخته‌شده از فعل‌های لازم و فعل‌های متعدی در زمان حال و مطابقه غیر فاعلی-مفعولی در بندهای ساخته شده از فعل‌های متعدی در زمان‌های گذشته دارند. در مطابقه غیر فاعلی-مفعولی، شناسه فعلی

برای نمود فاعل در پایان ستاک فعل ظاهر نمی‌شود. همچنین، در این جدول‌ها، شناسه مشترک در گویش‌های مورد بررسی، در زیر ستون/های مربوط به ساخت‌های فعل در شخص و شمار فعل درج شده است. چنانچه گویش یا گویش‌هایی در شناسه خاصی با سایر گویش‌ها همسان نباشد، زیر ستون مربوط به افعال، در ردیف شناسه متفاوت، شناسه خاص آن گویش/ها قید شده است. به عنوان نمونه، در جدول (۵)، یعنی، جدول شناسه فعل‌های لازم در اول، دوم و سوم شخص مفرد، شناسه اول شخص مفرد [-æm/om] در همه گویش‌ها، به استثنای ریچی و بنافی یکسان است. ریچی و بنافی در ساخت‌های حال اخباری و التزامی از شناسه متفاوت [-æm] بهره می‌برند. گفتنی است که شناسه سوم شخص مفرد در ساخت حال اخباری و التزامی از تنوع بیش‌تری برخوردار است. شناسه سوم شخص مفرد در گویش‌های بنافی، ریچی و نودانی [-æ]، پاپونی و دوسیرانی [-∅] و در گرگنائی، سُمغانی و مُسقانی به ترتیب [-ti]، [-di] و [-e] است.

جدول (۵) شناسه فعل‌های لازم در اول، دوم و سوم شخص مفرد (برگرفته از سلامی، ۱۳۸۴):

۳۸ تا ۴۴)

1 شخص مفرد	فعل لازم-گذشته ساده و استمراری	گذشته بعید فعل بودن	گذشته التزامی فعل بودن	حال اخباری و التزامی
شناسه مشترک	-æm/om			
شناسه متفاوت				بنافی و ریچی -æm
2 شخص مفرد	فعل لازم-گذشته ساده و استمراری	گذشته بعید فعل بودن	گذشته التزامی فعل بودن	حال اخباری و التزامی
شناسه مشترک	-ey			
شناسه متفاوت				دوسیرانی -i
3 شخص مفرد	فعل لازم-گذشته ساده و استمراری	گذشته بعید فعل بودن	گذشته التزامی فعل بودن	حال اخباری و التزامی
شناسه مشترک	-∅		-u	-æ/∅/e/di/ti
شناسه متفاوت	مُسقانی -æ			

جدول (۶) شناسه فعل‌های لازم در اول، دوم و سوم شخص جمع (برگرفته از سلامی، ۱۳۸۴: ۳۸ تا ۴۴)

شخص جمع	فعل لازم-گذشته ساده و استمراری	گذشته بعید فعل بودن	گذشته التزامی فعل بودن	حال اخباری و التزامی
شناسه مشترک	-um			
شناسه متفاوت	بنافی -im/um ریچی -im	ریچی و بنافی -im	ریچی -eym بنافی -im	ریچی و بنافی -eym
شخص جمع	فعل لازم-گذشته ساده و استمراری	گذشته بعید فعل بودن	گذشته التزامی فعل بودن	حال اخباری و التزامی
شناسه مشترک	-i(n)			
شناسه متفاوت	بنافی -it		بنافی -it ریچی -eyn	بنافی -eyt ریچی -eyn نودانی -ovi(n)
شخص جمع	فعل لازم-گذشته ساده و استمراری	گذشته بعید فعل بودن	گذشته التزامی فعل بودن	حال اخباری و التزامی
شناسه مشترک	-en			
شناسه متفاوت	دوسیرانی -in	ریچی -in	ریچی -in	بنافی و ریچی -æn سُمنانی -æn دوسیرانی -in

شناسه اول شخص جمع [-um] در جدول (۶)، مشخصه مشترک گویش‌هایی مانند پاپونی، دوسیرانی، سُمنانی، گرگنایی، مُسقانی و نودانی است که مطابقه دوگانه دارند. در این میان، گویش بنافی که مطابقه دوگانه دارد، در اول شخص جمع در فعل‌های لازم (گذشته ساده و استمراری) از دو شناسه [-um] و [-im] بهره می‌برد. اما همین شناسه را در ساخت‌های دیگر مانند ریچی به صورت [-im] بازنمایی می‌کند.

در جدول‌های (۷) تا (۱۰) حرف «ح» نشانه زمان حال، و حرف «گ» نشانه زمان گذشته ساده است.

جدول (۷) صیغگان مضارع و گذشته فعل لازم «آمدن» (برگرفته از سلامی، ۱۳۸۴: ۳۸ تا ۴۵)

جمع						مفرد	گویش
3	2	1	3	2	1		
miy-an	my-eyt	miy-eym	miya-ø	miy-ey	miya-m	ح	بنافی
umæð-en	umæð-it	æmæð- <b>im</b>	umæ-ø	umæð-i	umæð-om	گ	بنافی
iy-an	iy-eyn	iye- <b>ym</b>	iya-ø	iye-y	iya-m	ح	ریچی
umæð-en	umæð-in	æmæð- <b>im</b>	umæ-ø	umæð-i	umæð-om	گ	ریچی
mæy-in	mæy-i	mæy-um	ma-ø	mæy-æ	mæy-æm	ح	دوسیرانی
ænd-in	ænd-i	ænd-um	æmu-ø	ænd-æ	ænd-æm	گ	دوسیرانی
mæy-en	mæy-i	mæy-um	mæy-e	mæy-ey	mæy-om	ح	مسفانی
ænd-en	ænd-i	ænd-um	æme-y	ænd-ey	ænd-æm	گ	مسفانی
mey-en	mey-i	mey-um	mey-di	mæy-ey	mæy-æm	ح	سمفانی
ænd-en	ænd-i	ænd-um	æmæ-ø	ænd-ey	ænd-æm	گ	سمفانی
mey-en	mey-in	mey-um	mey-ti	mey-ey	mey-æm	ح	گرگنئی
ænd-en	ænd-in	ænd-um	æ:mu-ø	ænd-ey	ænd-æm	گ	گرگنئی
mæy-en	mæy-in	mæy-un	æ-ti	mæy-ey	mæy-æm	ح	پاپونی
ænd-en	ænd-in	ænd-um	a mo-ø	ænd-ey	ænd-æm	گ	پاپونی
miy-en	miyo-vi(n)	miy-um	miya-ø	my-ey	miy-æm	ح	نودانی
ænd-en	ænd-i(n)	ænd-um	æm-e	ænd-ey	ænd-æm	گ	نودانی

جدول (۸) صیغگان مضارع و گذشته فعل لازم «رفتن» (سلامی، ۱۳۸۴: ۱۸۲ تا ۲۱۷)

جمع						مفرد	گویش
3	2	1	3	2	1	زمان	
ir-æn	ir-eyn	ir-eym	ir-e	ir-ey	ir-æm		ریچی
ræft-en	ræft-in	ræft- <b>im</b>	ræft-ø	ræt-i	ræt-om	گ	ریچی
mif-en	mif-it	mif- <b>im</b>	mif-u	mif-ey	mif-æm	ح	بنافی
feð-en	feð-it	feð- <b>im</b>	fi	feð-ey	feð-om	گ	بنافی
mif-en	mif-i(n)	mif-um	mif-u	mif-ey	mif-æm	ح	نودانی

ræft-en	ræft-i(n)	ræft-um	ræ-ø	ræft-ey	ræft-æm	گ	نودانی
mif-æn	mif-i	mif-um	mif-u	mif-ey	mif-æm	ح	سُمنانی
best-en	best-i	best-um	best-o	best-i	best-æm	گ	سُمنانی
mif-en	mif-i	mif-um	mif-u	mif-ey	mif-om	ح	مسقانی
best-en	best-i	best-um	best-e	best-ey	best-æm	گ	مسقانی
mif-en	mif-in	mif-um	mif-u	mif-ey	mif-æm	ح	گرگنایی
eft-en	eft-in	eft-um	ræh-ø	eft-ey	eft-æm	گ	گرگنایی
mif-in	mif-i	mif-um	mif-u	mif-æ	mif-æm	ح	دوسیرانی
ift-in	ift-i	ift-um	bu-f-u	ift-æ	ift-æm	گ	دوسیرانی
mif-en	mist-in	mif-um	mif-u	mif-ey	mif-æm	ح	پاپونی
eft-en	eft-in	eft-um	eft-ø	eft-ey	eft-æm	گ	پاپونی

جدول (۹) صیغگان مضارع و گذشته فعل لازم «خوابیدن» (سلامی: ۱۳۸۴)

جمع							مفرد	گویش
۳	۲	۱	۳	۲	۱	زمان		
mixows-en	mixows-it	mixows-im	mixows-e	mixows-i	mixows-om	ح	بنافی	
xowsið-en	xowsið-it	xowsið-im	xows-i	xowsið-i	xowsið-om	گ	بنافی	
ixows-en	ixows-in	ixows-im	ixows-e	ixows-i	ixows-om	ح	ریچی	
xowsið-en	xowsið-in	xowsið-im	xowsi-ø	xowsið-i	xowsið-om	گ	ریچی	
mixows-en	mixows-i	mixows-um	mixows-e	mixows-ey	mixows-om	ح	مسقانی	
xowseð-en	xowseð-i	xowseð-um	xowseð-ø	xowseð-ey	xowseð-æm	گ	مسقانی	
mixat-in	mixat-i	mixat-um	mixat-e	mixat-ey	mixat-æm	ح	پاپونی	
xateð-en	xateð-in	xateð-um	xat-i	xateð-ey	xateð-æm	گ	پاپونی	
mixæt-in	mixæt-i	mixæt-um	mixæt-e	mixæt-æ	mixæt-æm	ح	دوسیرانی	

xæteð-in	xæteð-i	xæteð-um	xæt-i	xæteð-æ	xæteð-æm	گ	دوسیرانی
mixæft-æn	mixæft-i	mixæft-um	mixæft-e	mixæft-ey	mixæft-æm	ح	سمغانی
xæfteð-en	xæfteð-i	xæfteð-um	xæft-ø	xæfteð-ey	xæfteð-æm	گ	سمغانی
mixæt-en	mixæt-in	mixæt-um	mixæt-e	mixæt-ey	mixæt-æm	ح	گرگنایی
xætið-en	xætið-in	xætið-um	xæt-i	xætið-ey	xætið-æm	گ	گرگنایی

مقایسه شناسه‌های فاعلی در صیغگان فعل‌های آمدن، رفتن و خوابیدن نشان می‌دهد که شناسه اول شخص جمع [-ym/im] در تقابل با [-um] عامل تمایزدهنده گویش ریچی (با مطابقه فاعلی-مفعولی) با سایر گویش‌هایی است که مطابقه دوگانه دارند. با وجود این، بنافی در این شناسه متفاوت از سایر گویش‌های هم‌رده خود است. همچنین، شناسه دوم شخص مفرد [-æ] در گویش دوسیرانی متفاوت از سایر گویش‌ها است. نکته دیگر، همانندی ستاک گذشته فعل آمدن یعنی، [ænd] و ستاک‌های حال و گذشته فعل رفتن [f] و [ft] در گویش‌هایی است که مطابقه دوگانه دارند. با این وصف، در بنافی ستاک گذشته فعل آمدن [umæð] است. ستاک گذشته فعل رفتن در نودانی و بنافی به ترتیب [ræft] و [fæð] می‌باشد. بر اساس جدول‌های (۷) تا (۱۰) پیشوند وجه اخباری در ریچی به صورت [i-] تلفظ می‌شود. ستاک فعل خوابیدن در گویش‌های پاپونی، دوسیرانی، سمغانی و گرگنایی [xæt/xæft/xat] است. پسوند گذشته‌ساز در گویش‌های بنافی و ریچی [-id] و در گویش‌های گرگنایی، مسغانی، پاپونی، دوسیرانی و سمغانی [i/eð] می‌باشد.

جدول (۱۰) صیغگان مضارع و گذشته فعل متعدی خوردن

گویش	زمان	مفرد			جمع		
		۱	۲	۳	۱	۲	۳
بنافی	ح	mixor-æm	mixor-i	mixu-t	mixor- <b>im</b>	mixor-i	mixor-en
بنافی	گ	om=xa	ot=xa	of=xa	omu=xa	otu=xa	ofu=xa
ریچی	ح	i-xar-om	i-xar-i	i-xar-e	i-xar- <b>im</b>	i-xar-in	i-xar-en



xard-en	xard-in	xard- <b>im</b>	xard-∅	xard-i	xard-om	گ	ریچی
mixor-en	mixor-in	mixor- <b>um</b>	mixæ-∅	mixor-ey	mixor-æm	ح	پاپونی
efu=xæ	etu=xæ	omu=xæ	ef=xæ	et=xæ	om=xæ	گ	پاپونی
mixor-in	mixor-i	mixor- <b>um</b>	mixer-∅	mixor-æ	mixor-æm	ح	دوسیرانی
ofu=xæ	otu=xæ	omu=xæ	of=xæ	ot=xæ	om=xæ	گ	دوسیرانی
mixor-en	mxor-in	mixor- <b>um</b>	mixu-∅	mixor-ey	mixor-æm	ح	گرگنئی
fu=xæ	tu=xæ	mu=xæ	ef=xæ	et=xæ	om=xæ	گ	گرگنئی
mixor-en	mixor-i	mixor- <b>um</b>	mixo-∅	mixor-ey	mixor-æm	ح	سمغانی
fu=xæ	tu=xæ	mu=xæ	ef=xæ	et=xæ	om=xæ	گ	سمغانی
mixor-en	mixo-in	mixor- <b>um</b>	mixo-∅	mixor-ey	mixor-æm	ح	نودانی
fu=xa	tu=xa	mu=xa	ef=xa	et=xa	om=xa	گ	نودانی
mixor-en	mixor-i	mixor- <b>um</b>	mixor-æ	mixor-ey	mixor-om	ح	مسغانی
fu=xuværd	tu=xuværd	mu=xuværd	ef=xuværd	ed=xuværd	om=xuværd	گ	مسغانی

جدول (۱۰) صیغگان مضارع و گذشته فعل متعدی خوردن را نشان می‌دهد. به استثنای ریچی که مطابقهٔ فاعلی-مفعولی دارد، در سایر گویش‌ها، فعل متعدی در ساخت‌های گذشته و کامل مطابقهٔ غیرفاعلی-مفعولی دارد. به بیانی دیگر، فعل در شکل ستاک سوم شخص مفرد، بدون شناسه نمایان می‌شود.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۲-۴. نشانه و جایگاه اسم مفعول در فعل‌های لازم

جدول (۱۱) تصریف فعل رفتن در گذشتهٔ نقلی

مفرد						جمع		
۱	۲	۳	۱	۲	۳			
fes-om	fes-ey	fes-∅	fes-im-e	fes-it-e	fes-en-e	بنافی		
ræft-om-e	ræft-i-ye	ræft-∅	ræft-im-e	ræft-in-e	ræft-en-e	ریچی		
ræft-æm-e	ræft-e-ye	ræft-e	ræft-um-e	ræft-in-e	ræft-en-e	نودانی		

eft-en-e	eft-in-e	eft-um-e	eft-æh	eft-ey-e	eft-æ:m-e	پاپونی
bef-esse-yen	bef-esse-yi	befesse-yum	befesse-ø	bef-esse-yey	bef-esse-yæm	سمغانی
eftæ:n	efti:n	eftu:m	eft-æ	efte:y	eftæ:m	گرگنائی
best-es-en	best-es-i	best-es-um	best-e	best-es-ey	best-es-æm	مسقانی

در گویش بنافی، نشانه اسم مفعول در صیغه‌های مفرد مشاهده نمی‌شود. در صیغه‌های جمع، نشانه اسم مفعول [-e] پس از شناسه فاعلی ظاهر می‌شود. در گویش‌های ریچی، نودانی و پاپونی، نشانه اسم مفعول نیز پس از شناسه‌های فاعلی واقع می‌شود. نشانه اسم مفعول در گرگنائی پیش از شناسه فعلی قرار دارد که در نتیجه عملکرد فرایند واجی ادغام با واژه آغازین شناسه فاعلی، باعث کشیدگی واژه آغازین شناسه می‌شود. در گویش‌های مسقانی و سمغانی نشانه‌های اسم مفعول به ترتیب [-es] و [-esse] هستند که پیش از شناسه‌های فاعلی ظاهر می‌شوند. نشانه اسم مفعول در سوم شخص مفرد، در سه گویش بنافی، ریچی، و سمغانی تکواژ صفر [ø] است. در فعل‌های متعدی زمان گذشته، نشانه اسم مفعول [-e/-æ] به پایان ستاک سوم شخص مفرد اضافه می‌شود. صیغه اول شخص مفرد فعل متعدی خورده‌ام در جدول (۱۲) آمده است.

جدول (۱۲) تصریف اسم مفعول فعل «خوردن»

ریچی	بنافی	نودانی	پاپونی	سمغانی	گرگنائی	مسقانی
xard-om-e	om=xard-e	om=xærd-e	om=xærd-æ	om=xærs-e	om=xærd-æ	om=xuværd-e

مطابق جدول (۱۲) گویش ریچی از مطابقه فاعلی-مفعولی پیروی می‌کند و شناسه فاعلی پس از ستاک فعل و پیش از نشانه اسم مفعول ظاهر می‌شود. اما در سایر گویش‌ها، به دلیل مطابقه غیرفاعلی-مفعولی در ساخت‌های گذشته و کامل فعل متعدی، نشانه اسم مفعول پس از ستاک گذشته فعل و واژه‌بست ضمیری فاعلی پیش از ستاک اسم مفعول ظاهر می‌شود. در این الگو، از شناسه فعلی استفاده نمی‌شود.

## ۳-۴. واژه‌بست‌های فاعلی

صرف فعل‌های متعدی در وجه‌های اخباری و التزامی در زمان حال، مانند صرف فعل‌های لازم است (سلامی، ۱۳۸۴: ۲۵). با وجود این، در زمان‌های گذشته و کامل، فعل متعدی در شکل ستاک سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود و فاعل از طریق واژه‌بست‌های غیرفاعلی نمود می‌یابد (سلامی، ۱۳۸۴: ۴۵).

جدول (۱۳) واژه‌بست‌های غیرفاعلی (که وظیفه مطابقه را در فعل‌های متعدی در ساخت گذشته و کامل انجام می‌دهند) را در گویش‌های بنافی، پاپونی، دوسیرانی، سُمغانی، گُرنائی، مُسقانی و نودانی نشان می‌دهد. در حالت بی‌نشان، واژه‌بست‌های این جدول در بنافی، پی‌بست و در سایر گویش‌ها پیش‌بست هستند.

جدول (۱۳) واژه‌بست‌های فاعلی فعل‌های متعدی در زمان گذشته

جمع			مفرد		
۳	۲	۱	۳	۲	۱
(e/o)fu=	(o/e)tu=	(o)mu=	of/ef=	ot/et/ed=	om=

## ۴-۴. پیشوندهای قاموسی و صرفی

پیشوند صرفی بعد از پیشوند قاموسی ظاهر می‌شود (سلامی، ۱۳۸۴: ۵۰).

جدول (۱۴) جایگاه دستوری پیشوندهای قاموسی و صرفی

بنافی، ریچی	می‌ایستادم	vey-mi-sið-om
پاپونی، دوسیرانی	می‌ایستم	vey-mi-s-æm

پیشوند وجه التزامی در فعل‌های خوابیدن، رفتن و نشستن در گویش‌های نام‌برده به شکل

زیر است (سلامی، ۱۳۸۴: ۴۹):

جدول (۱۵) شکل پیشوند التزامی در فعل‌های خوابیدن، رفتن و نشستن

گویش	بخوابم	بروم	بنشینم
ریچی	be-xows-om	be-r-æm	be-fin-æm

u- tʃi-yom	be-f-æm	be-xows-om	بنافی
hu-ʃin-om	hu-f-om	bo-xows-om	مسقانی
u-ni-yæm	be-f-æm	o-xat-æm	پاپونی
u-ʃey-æm	hu-xæft-æm	hu-xæft-æm	سمغانی
u-ʃin-æm	u-xæt-æm	u-xæt-æm	گرگنائی
u-ni-yæm	hu-xæt-æm	hu-xæt-æm	نودانی

پیشوندهای [o-/hu-/u-] در گویش‌هایی که مطابقه دوگانه دارند، قدمت و کاربرد بیش‌تری دارند.

#### ۴-۵. مطابقه در بندهای دستوری

جمله‌های (۷) تا (۹) مطابقه فاعلی-مفعولی در فعل بودن در زمان حال، فعل لازم رفتن در زمان‌های حال و گذشته و فعل متعدی شناختن در زمان حال را نشان داده است. در نمونه (۱۰) نیز شاهد این نوع مطابقه در پاپونی هستیم. در این نوع مطابقه، فاعل دستوری از طریق شناسه‌های فعلی بازنمایی می‌شود. در بندهای متعدی، مفعول می‌تواند به صورت گروه اسمی/اسم، ضمیر مفعولی و یا واژه‌بست مفعولی نمود یابد. شناسه‌های فعلی در نمونه‌های داده شده با حروف پُررنگ مشخص شده‌اند.

۷. آن مردان و زنان خوب هستند.

بنافی	u mærd-æ-l-æ	u	zæn-æ-l-æ	xuv-en
پاپونی	i aðæm-æ-l hes-en	o	zæn-æ-l-æ	mærdom-e xuv-i
دوسیرانی	u merd-æ-l	o	u zæ:n-æ-l	xuv-en
ریچی	u mærd-æ-l-æ	xoðe	u zæ:n-æ-l-æ	xuv-en
سمغانی	u mærd-æ-l	vo	zæn-æ-l	xuv-en
گرگنائی	u aðæm-æ-l hess-en	o	zæn-æ-l-æ	xuv
مسقانی	u merd-æ-l hes-en	væ	zæ:n-æ-l-æ	xuv
نودانی	u merd-æ-l	o	zæn-æ-l-æ	xub-sen

۸. دیروز با خانواده به جنگل رفتیم.

بنافی	dignæ jængæł	ba (ko)	xunæmu	fedu	æ	
پاپونی	dignæ jængæł	ba	zæn-o bæ tfe-yæl	eft-um	ti	
دوسیرانی	dignæ jængæł	xoð-e	xunevadæ	eft-um	æ	
ریچی	dignæ (jængæł)	hæmæmu	poy hæm	ræft-im	æ	ko
سمغانی	dig jængæł	ba	xunæ	bift-um	æ	
گرگنایی	dignæ jængæł	bavæ	xunæ	eft-um	ætu	
مسقانی	dignæ jængæł	ba	zæn-o bæ tfe-yæl	befst-um	ti	
نودانی	dignæ (dar-dun)	ba	xunæ	ræft-um	æ	derk

۹. چطور او را نمی شناسی؟

بنافی	stowr	if	ne-mi-fnas-i
پاپونی	tfetow	u	ne-mi-fnas-ey
دوسیرانی	tfe jur	unæ	ne-mi-fnas-æ
ریچی	tfetæ:ri	vo-næ	ni-fnas-i
سمغانی	tfetowr	u yo	ne-me-fnars-ey
گرگنایی	tfetowri	unæ	ne-mi-fnas-ey
مسقانی	tfetow	u	ne-mi-fnas-ey
نودانی	tfetow		ne-mi-fnas-ey-f

۱۰. رفته بوده‌ام (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۸)

پاپونی estæ ber-æm-æ

۱۱. شما دوستان زیادی دارید، مگر نه؟

بنافی	fomu=etu	xeyli	dus	va	mey næ
پاپونی	foma	dus-æł-e	ziyaði=tu	hen	
دوسیرانی	foma	dus-æł-e	ziyaði=tu	hen	

ریچی	foma	dus-æ-l-e	ziyað-i	<b>dar-in</b>	mey næ
سمغانی	foma	dus-æ-l-e	ziyað-i= <b>tu</b>	<b>ni</b>	bæle
گرگنائی	foma	ræfiq-æ-l-e	xeyli (ziyaði= <b>t</b> )	<b>he</b>	mey næ
مسقانی	fomæ	ræfiq-æ-l-e	ziyaði= <b>tu</b>	<b>he</b>	mey næ
نودانی	foma	ræfiq-æ-l-e	ziyaði= <b>tu-v-en</b>		mæ næ

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۱۷) در خصوص سازوکار مطابقه در فعل‌های با مفهوم "داشتن"، "خواستن" و "توانستن" در زبان لارستانی عنوان می‌کند که این فعل‌ها به‌ویژه فعل‌های توانستن و خواستن که به لحاظ معناشناختی فعل‌های وجهی و داشتن که فعل تملکی است، فارغ از تصریف زمانی آن‌ها، همواره در مطابقه با فاعل از سازوکار پیش‌بست‌ها یا واژه‌بست‌های مطابقه استفاده می‌کنند. به دیگر سخن، رفتار آن‌ها در مطابقه همچون رفتار فعل‌های متعدی در زمان گذشته است. چنین وضعیتی نیز در گویش‌های نام‌برده، به جز گویش ریچی مشاهده می‌شود. در جمله شماره (۱۱)، به جز ریچی که نظام فاعلی مفعولی دارد، فعل "داشتن" در زمان حال و در مفهوم تملکی به صورت ستاک حال و بدون شناسه بازنمایی شده است و مطابقه با فاعل از طریق واژه‌بست‌های فاعلی (که به لحاظ تاریخی ماهیتاً غیرفاعلی هستند) صورت گرفته است. در گویش بنافی نخستین سازه بند، یعنی، فاعل دستوری بند، میزبانی واژه‌بست یا پی‌بست مطابقه با فاعل را بر عهده می‌گیرد. به بیانی دیگر، بنافی از قانون واکرناگل پیروی می‌کند. جوهره این قانون این است: عناصری که تکیه ضعیف دارند، تمایل دارند که به سوی جایگاه دوم در بند / جمله حرکت کنند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۱۱).

در گویش‌های پاپونی، دوسیرانی، سمغانی، گرگنائی، مسقانی و نودانی، فعل‌های داشتن، خواستن و توانستن، همچون فعل‌های متعدی در ساخت‌های گذشته، اغلب میزبان واژه‌بست یا پیش‌بست فاعلی شده‌اند. با این وجود، در جمله ۱۱، گروه اسمی در نقش مفعول صریح این میزبانی را به عهده گرفته است. در گرگنائی، فعل داشتن [he] می‌تواند با واژه‌بست یا بدون واژه‌بست بیان شود. در شق اول، واکه آغازین پیش‌بست مطابقه با فاعل، یعنی، [(o/e)tu] به دلیل همجواری با واکه پایانی [xeyli/ziyaði] حذف‌شده، و سازه [xeyli/ziyaði] به لحاظ

آوایی، میزبان عروضی<sup>۱</sup> واژه‌بست شده است. به دیگر سخن، به لحاظ بافت آوایی، تولید زنجیره آوایی [xeyli/ziyaði=t] در تلفظ بدون وقفه، راحت‌تر از زنجیره آوایی [xeyli/ziyaðiot=he] است. در نودانی، همخوان [v]، میان واکه پایانی واژه‌بست فاعلی [tu] و واکه آغازین فعل داشتن [en] میانجی شده و از همجواری دو واکه [e] و [u] جلوگیری می‌کند. در شق دوم، فعل تملکی داشتن، ویژگی واژه‌بستی خود را از دست می‌دهد. در گویش سمغانی، واکه آغازین فعل داشتن [en] در مجاورت با واکه پایانی واژه‌بست غیر فاعلی دوم شخص مفرد، حذف شده است. به نظر نگارنده شکل اصلی فعل داشتن در اصل [(h)en(d)i] بوده است.

۱۲. وقت کردی بیا پیشم. باهات کار دارم (انصاری، ۱۳۸۹: ۷۳).

پاپونی væqt et=ke biyow piʃ=om ba=t kar om=en

۱۳. من دوستانی دارم که از آنها خیلی راضیم (همانجا: ۸۴).

پاپونی mo dus-æ-l-i om=(h)en ke æ una xeyli razi-y-æm

در نمونه‌های (۱۲) و (۱۳)، فعل داشتن در گویش پاپونی، میزبان پیش‌بست یا واژه‌بست فاعلی شده است.

۱۴. دو برادر و خواهر کوچک دارم. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنافی	dota	kaka	vo	dæðe-y	ku tʃek	dar-om (om=va)
پاپونی	dota	kækæ	vo	dæðe-y	koʃkæk	dar-om
دوسیرانی	dota	kaka	vo	dæðe-y	loʃ	dar-om
ریچی	dota	kaka	vo	dæð-ey-e	ko tʃik	dar-om
سمغانی	dota	kækæ	vo	dæðe-ye	xord	m=en(i)
گرگنائی	dota	kaka	vo	dæðe-y	koʃkæk	m=en
مسقانی	dota	kaka	vo	dæðe-y	ku tʃik	om=he
نودانی	dota	kaka	vo	dæðe-y	koʃkæk	m=en

<sup>1</sup> Prosodic host

در نمونه (۱۴)، فاعل فعل "داشتن" در مفهوم تملکی در گویش بنافی، هم از طریق واژه‌بست‌های فاعلی به کار رفته در ساخت‌های گذشته فعل‌های متعدی و هم از طریق شناسه‌های فاعلی بازنمایی شده است. از سوی دیگر، در گویش‌های پاپونی و دوسیرانی نیز، فعل داشتن از طریق شناسه‌های فاعلی بازنمایی شده است. چنین مواردی می‌توانند نشانی از آغاز فرسایش در نظام مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، بر جا مانده از ایرانی غربی میانه در گویش‌های مذکور باشد. به هر روی، در گویش‌های سُمغانی، گُرنائی، مُسقانی و نودانی فعل تملکی "داشتن" ویژگی دستوری فعل‌های متعدی در زمان گذشته در مطابقه غیر فاعلی-مفعولی را حفظ کرده و میزبان واژه‌بست یا پیش‌بست فاعلی شده است. واژه آغازین واژه‌بست فاعلی در گویش‌های سُمغانی، گُرنائی و نودانی حذف شده و همخوان پایانی واژه‌بست، یعنی، [m] به فعل داشتن [(h)en(i)/he] اضافه شده است.

۱۵. شاید این کتاب را داشته باشم.

بنافی	fayæd=om	i ketav-e	va-bu
پاپونی	fayæt	i ketab-æ	om=bu
دوسیرانی	fayæd	i ketab=om	bu
ریچی	fayæd	i ketab-æ	daft-æ b-æm
سُمغانی	fayæt	i ketav=om	bu
گُرنائی	fayæd	i ketav-e	om=bu
مُسقانی	fayæd	i ketav-æ	om=bu
نودانی	fat (fayæt)	i ketab=om	bu

در نمونه (۱۵)، بجز گویش ریچی، در سایر گویش‌ها، فعل تملکی «داشته باشم» در ساخت ماضی نقلی بدون شناسه فعلی، از طریق پیش‌بست‌ها یا واژه‌بست‌های فاعلی نمایان شده است. در بنافی اولین سازه بند، میزبان پی‌بست فاعلی شده است. مفعول صریح، یعنی، کتاب [ketab/v] در برخی از گویش‌ها از طریق نشانه [-e/æ] معرفی شده است.



۱۶. ای کاش پول داشتیم و خانه او را می خریدیم (انصاری، ۱۳۸۹: ۶۹).

پاپونی kɒkɒ pil **om=bi** xune-yu **om=mi-sæ**

در نمونه (۱۶)، فعل تملکی داشتن در زمان گذشته ساده، میزبان واژه بست فاعلی در گویش پاپونی شده است.

۱۷. دارم لباس‌هایم را می پوشم.

بنافی	<b>om=va</b>	jolkol=om	mi-pufæ	
پاپونی	<b>hoy/hey</b>	lebas-æl=om	mi-kon-æm	bær=om
دوسیرانی	<b>om=ma</b>	levas-æl=om	bo-kon-æ	mæ bær
ریچی	<b>æsey</b>	lebas-em-æ	i-kon-om	æ bær=om
سمغانی	<b>m=en</b>	lebas-æl=om	mi-puf-æm	
گرگنائی	<b>æsey</b>	lebvas-æl=om	mi-kon-æm	bær=om
مسقانی	<b>mæ</b>	levas-æl=om	mi-kon-o	mæ bær=om
نودانی	<b>hey</b>	levas=om	mi-kon-æm	bær

در جمله (۱۷)، فعل "داشتن" در زمان حال، بیانگر نقش نمود ناقص استمراری است و در گویش‌های بنافی، دوسیرانی و سمغانی به ترتیب به صورت‌های [va]، [ma] و [en] بازنمایی و میزبان واژه بست فاعلی شده است. در سایر گویش‌ها، فعل اصلی مطابقه فاعلی-مفعولی دارد و نمود ناقص استمراری از طریق واژه‌های [hey/hoy] و [æsey] بیان شده است.

۱۸. داشتم خربزه را می بردم که انگشتم را هم بردم.

بنافی	<b>om=vabi</b>	xærbez-æ	mi-ʃkond	ke=m penjæ=m=æm	bori
پاپونی	<b>hay</b>	xærbez=m	qaf mi-ke	ke penjæ=m=æm	bori
دوسیرانی	<b>om=es</b>	xærbez-æ	xord kon-æm	kə penjæ=m= <b>om</b>	bæri
ریچی	<b>daft-om</b>	xiyar	qaf i-kerd- <b>om</b>	ke penjæ=m-æ	
	<b>borið-om</b>				
سمغانی	<b>væxti ke</b>	xærbez-æ	<b>om=qaf</b> ke	des=m= <b>om</b>	bori
گرگنائی	<b>æsey</b>	xærbez-æ	<b>om=qaf</b> mi-ke	dess=æm=æm	
	<b>om=bori</b>				
مسقانی	<b>mæ=om</b>	mi-xas	xiyar be-ʃkæn-om	dess=om=æm	
	<b>om=bori</b>				
نودانی	<b>hey</b>	xærbez=m	qaf= <b>om</b> mi-ke	ke penjæ=m= <b>om</b>	bori

در مثال (۱۸)، فعل داشتن بیانگر نقش نمود ناقص استمراری در زمان گذشته است. این فعل در ریچی مطابقهٔ فاعلی-مفعولی دارد ولی در گویش‌های بنافی و دوسیرانی به ترتیب به صورت‌های [vabi] و [es] نمود یافته و مطابقهٔ واژه‌بستی دارد. برای بیان همین مفهوم، گویش مسقانی از فعل [xas] استفاده می‌کند. در گویش‌های گرگنائی، پاپونی و نودانی، نمود استمرار به ترتیب از طریق سازه‌های [æsey]، [hay] و [hey] بیان شده است. گویش سمغانی از واژهٔ [væxti ke] بهره برده است. گفتنی است در این نقش، واژه‌بست فاعلی در گویش بنافی، نه به صورت پی‌بست، بلکه به شکل پیش‌بست به ستاک فعل داشتن پیوسته است.

۱۹. داشتم می‌خوردم.

hey om=mi-xær-di پاپونی

مثال (۱۹) نمونهٔ دیگری برای بیان مفهوم نمود استمراری در زمان گذشته در گویش پاپونی است (انصاری، ۱۳۸۹: ۸۱).

۲۰. شما نمی‌توانید این کار را بکنید.

بنافی	fomu	etu ne-mi-fa	i kar-æ	bo-kon-it
پاپونی	foma	etu ne-mi-fa	i kar-æ	bo-kon-in
دوسیرانی	to=t	ne-mi-fa	i kar-e	bo-kon-æ
ریچی	to	ni-tær-i	i kar-æ	bo-kon-i
سمغانی	to=t	ne-mi-fa	i kar	bo-kon-ey
گرگنائی	foma=tu	ne-mi-fa	i kar-æ	bo-kon-in
مسقانی	foma=tu	ni-mi-fa	i kar-a	bo-kon-i
نودانی	foma=tu	ne-mi-fa	i kar-æ	bo-kon-in

در جملهٔ (۲۰)، فعل توانستن در گویش ریچی مطابقهٔ فاعلی-مفعولی دارد. توانستن در سایر گویش‌ها، در شکل ستاک حال خود، یعنی، [fa] مطابقهٔ واژه‌بستی دارد. ریشهٔ ستاک حال توانستن در گویش ریچی [tær] متفاوت از ستاک حال همین فعل در سایر گویش‌های نام‌برده است.

۲۱. امیدوارم بتوانم برایش کاری بکنم.

بنافی	omið=om om	va ke	be-fa=m	i kar-æ	bo-kon-
پاپونی	omiðvar-æm æm	om=be-fa	si=f	yæ kar-i	bo-kon-
دوسیرانی	omiðvar-æm æm	ke=m	be-fa	yæ kar-i	si=f bo-kon-
ریچی	omiðvar-om æm	kar-i	æ dæ:s-om	biya	æ si=f bo-kon-
سمغانی	omiðvar-æm æm	om=be-fa	æ si=f	kar-i	bo-kon-
گرگنائی	omiðvar-æm æm	bæ xoða	om=be-fa	si yæ kar-i	bo-kon-
مسقانی	enfallæ ægær om	om=be-fæ		si=f yæ kar-i	mi-kon-
نودانی	xoða æm	kon-æm	om=be-fa	yæ kar-i	si=f bo-kon-

جمله (۲۱) ساخت زمان حال دارد. در بنافی، فعل داشتن [va] در بند اصلی به مفهوم «امید دارم»، مطابقه واژه‌بستی دارد. از سوی دیگر، در بند پیرو، فعل توانستن [fa] میزبان همین پی‌بست فاعلی شده است. در گویش ریچی، از فعل کمکی توانستن استفاده نشده است. در گویش‌های پاپونی، سمغانی، گرگنائی، مسقانی و نودانی فعل توانستن میزبان واژه‌بست یا پیش‌بست فاعلی شده است. در گویش دوسیرانی، واژه آغازین واژه‌بست حذف شده و واژه [ke] به لحاظ آوایی، میزبان عروضی واژه‌بست شده است.

۲۲. چطور توانستی این کار را با او بکنی (انصاری، ۱۳۸۹: ۷۲).

پاپونی tʃetowr et=feys i kar-æ ba=f bo-kon-ey

در نمونه (۲۲)، ستاک گذشته فعل توانستن در گویش پاپونی میزبان پیش‌بست یا واژه‌بست فاعلی شده است.

۲۳. اگر من این کار را کرده باشم، حق داری هر چه دلت می‌خواهد بگویی.

بنافی	ægær mæ i kar= <b>æm</b>	kerdi fomu hæq <b>va</b> hær tje del=et
	mixa be-gey	
پاپونی	ægæ mo i kar= <b>æm</b>	kerdæ bu hæq= <b>et=en</b> hær tji del=et
	ef= <b>mæ</b> be-gey	
دوسیرانی	ægær mo i kar= <b>æm</b>	kerdæ bu to hæq= <b>et=en</b> hær tji <b>ma</b> æ
	mo bo-gu	
ریچی	æye mo i kar-æ	kerdæ v-æm to hæq <b>dar-i</b> hær tje del=et
	<b>ixa</b> bo-kon-i	
سمنانی	æge mo i kar= <b>æm</b>	kerde hær tji del= <b>et mæ</b> æ mo
	bo-go	
گرگنائی	ægæ mo I kar= <b>om</b>	kerdæ bu hær kari del=et <b>micæs</b>
	bo-ko	
مسقانی	æye mæ i kar-æ	<b>om=</b> kerdæ bu hæq=et <b>he</b> hær tji del=et
	ef= <b>miya</b> bo-goyey	
نودانی	ægær mo I kar-æ	<b>om=</b> kerdæ bu hæq= <b>et=en</b> hær tji del=et
	<b>mixa</b> be-gey	

در گویش بنافی فعل‌های "داشتن" [va] در بند پایه و "خواستن" [xa] در بند پیرو، میزبان واژه‌بست فاعلی نشده‌اند. اما فعل داشتن [en] و همچنین فعل خواستن [mæ/a] در گویش‌های پاپونی، دوسیرانی و مسقانی میزبان پیش‌بست فاعلی شده‌اند. در گرگنائی به جای فعل خواستن از فعل «کش» بدون واژه‌بست فاعلی استفاده شده است. فعل «خواستن» در سمنانی [mæ] و در نودانی [xa] نیز بدون واژه‌بست فاعلی ظاهر شده‌اند. گویش ریچی نیز مطابقه فاعلی-مفعولی داشته و فاعل فعل کمکی از طریق شناسه فاعلی نمود می‌یابد.

جدول (۱۶) تصریف فعل خواستن در وجه التزامی در زمان حال در پاپونی (برگرفته از کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۸)

مفرد	جمع
۱	۱
۲	۲
۳	۳
om=bo-va	ef=bo-va
et=bo-va	omu=bo-va
	etu=bo-va
	efu=bo-va

۲۴. هنگامی که می‌خواستیم از پله‌ها پایین بیایم.

بنافی	mowqey ke	<b>xas-om</b>	æ pellæ-yæl	biy-am dumæn
پاپونی	hæmi ke	<b>om=xas</b>	æ pele-yæl	bæy-æm dumæn
دوسیرانی	væxti ke= <b>m</b>	meys	æ: pellæ	bey-mæ
	dumæn			

ریچی	hæmi ke	i-xas-om	æ pellæ	biy-am	dumæn
سمغانی	væxti ke=m	mey	æz pellæ-yæl	bey-mæ	dumæn
گرگنائی	væxti ke	om= miyæ:s	æ pelæ-yæl	bey-æm	dumen
مسقانی	væxti ke	om=xas	æz pelle-yæl	bæy-om	dumæn
نودانی	væxti	om=miyes/mes	æ pelæ-yæl	biy-æm	dumæn

در نمونه (۲۴)، فعل خواستن در ساخت گذشته، در ریچی و بنافی مطابقه فاعلی-مفعولی داشته ولی در سایر گویش‌ها مطابقه واژه‌بستی یا غیرفاعلی-مفعولی دارد.

۲۵. اگر می‌خواهی به قبرستان بروی با ما بیا (انصاری، ۱۳۸۹: ۷۰)

پاپونی ægær et=mæ be-fey xaksongæ ba ma biyow

۲۶. می‌خواستم بدانم تو هم می‌آیی یا نه (همانجا: ۷۸).

پاپونی om=eyš be-dæn-æm to hæm mæyey ya næ

نمونه‌های (۲۵) و (۲۶) در پاپونی حاکی از آن است که فعل خواستن در زمان حال و گذشته میزبان واژه‌بست فاعلی شده است.

جدول (۱۷) تصریف فعل «خواستن» زمان حال در گویش پاپونی (برگرفته از کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴)

مفرد	جمع
۱	۲
۲	۳
۳	۱
o=mæ	et=mæ
ef=mæ	om=mæ
etu=mæ	efu=mæ

در جدول (۱۷) همخوان پایانی واژه‌بست اول شخص مفرد [om] در مجاورت با همخوان آغازین فعل خواستن حذف شده است. مقایسه جدول‌های (۱۶) و (۱۷) نشان می‌دهد که ستاک فعل "خواستن" در گویش پاپونی، در وجه التزامی زمان حال [va] و وجه اخباری زمان حال [mæ] از دو ریشه متفاوت است.

۲۷. من خودم او را در مزرعه دیدم.

بنافی	mo	xo=m	un-na	tu	zæmin	dið-om
بنافی	mæ	xo=m=om	vu -yæ	tu	ʧællæ	om=di
پاپونی	mo	xo=m	u	ti	lættæ=m	di
دوسیرانی	mo	xo=m	u-n-æ	ti	baʧ	om=di
ریچی	mo	xo=m	vo-n-æ	tu	sæ:ra	dið-om
سمغانی	mo	xo=m	u-y-o	æ tiye	ʧællæ	om=di
گرگنائی	mo	xo=m	u-n-æ	tu	ʧællæ	om=di
مسقانی	mo	xo=m	hoy	æ ti	zæmin	om=di
نودانی	mo	xo=m	u	æ tu	zæmin	om=di

در مثال (۲۷) مطابقه در گویش بنافی به دو صورت فاعلی-مفعولی [dið-om] و غیرفاعلی-مفعولی [om=di] مشاهده می‌شود. در مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، واژه‌بست فاعلی به دو صورت پی‌بست [xo=m=om] و پیش‌بست [om=di] ظاهر شده است. مطابقه در گویش ریچی به طور یک‌دست فاعلی-مفعولی است. در سایر گویش‌ها، مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، در رده سه‌جزئی می‌باشد و ستاک گذشته فعل متعدی میزبان واژه‌بست فاعلی شده است. گفتنی است که در پاپونی، واژه آغازین واژه‌بست فاعلی حذف شده و سازه [lættæ] میزبان عروضی واژه‌بست فاعلی شده است.

۲۸. حسن علی را در باغ دیدم.

بنافی	hæsæn	æli=f	æ tu	baʧ	di
پاپونی	hæsæn	æli-ye	ti	baʧ	ef=deðæ/di
دوسیرانی	hæsæn	æli=f	æ tu	baʧ	di
ریچی	hæsæn	æli-æ	tu	baʧ	di
سمغانی	hæsæn	æli	æ tu	baʧ	ef=di
گرگنائی	hæsæn	æli	tu	baʧ	ef=di
مسقانی	hæsæn	æli	ti	baʧ	ef= deðe
نودانی	hæsæn	æli	æ tu	baʧ	ef=di

در نمونه (۲۸) واژه‌بست فاعلی در بنافی و دوسیرانی به مفعول صریح [æli] اضافه شده است که می‌تواند یک سازوکار کاربردشناختی و ساخت اطلاعی مثل تاکید و تقابل باشد. در پاپونی، مفعول صریح نشانه معرفه [-ye] دارد. به عبارتی، مفعول در حالت خنثی نیست. در سایر گویش‌ها، بجز ریچی، ستاک گذشته فعل متعدی میزبان پیش‌بست فاعلی شده و مطابقه از نوع غیرفاعلی-مفعولی، رده سه‌جزئی است.

۲۹. سیب‌ها را از درخت چیدند.

بنافی	sib-æ1-æ	æ deræxt	tʃið-en (sib-æ1-æku=ʃu æ tu baʃ
	tsi)		
پاپونی	hæme-y siv-æ1æ-ku		oʃu= tʃeðæ
دوسیرانی	siv-æ1-æ	qæðe bom	oʃu= tʃi
ریچی	siv-æ1-æ	æ deræxt	tʃið-en
سمغانی	siv-æ1	æ deræxt=efu	tʃi
گرگنایی	siv-æ1æ-ku	æ deræxt	ʃu= tʃi
مسقانی	sib-æ1-u		ʃu=verævord-en
نودانی	sib-æ1-æ	deræxt=efu	tʃi

در جمله (۲۹) فاعل دستوری در گویش ریچی از طریق شناسه فعلی [-en] نمود یافته است. در بنافی مطابقه با فاعل دستوری مانند نمونه (۲۷) به دو شکل صورت گرفته است. یکی از طریق شناسه فعلی (یعنی، مطابقه فاعلی-مفعولی) و دیگری از طریق پی‌بست فاعلی که به اولین سازه بند اضافه شده است (یعنی مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، رده سه‌جزئی). در سایر گویش‌ها، مطابقه از نوع غیرفاعلی-مفعولی، رده سه‌جزئی است و فاعل دستوری از طریق واژه‌بست فاعلی شناسایی شده است.

نگارنده معتقد است که شناسه فعلی [-en] در گویش مسقانی به فاعل اشاره دارد. یعنی، شاهد حضور دو سازه شناسه فعلی و پیش‌بست فاعلی برای ارجاع به فاعل دستوری جمله هستیم و این نشانی از تغییر در هم‌سوسدن سازوکار مطابقه در ساخت‌های گذشته فعل‌های متعدی به مطابقه فاعلی-مفعولی است. هرچند می‌توان شناسه فعلی [-en] در مسقانی را به مفعول صریح [sib-æ1-u] که نشانه جمع [-u] دارد، ارجاع داد و تعبیر مطابقه کُنائی-مطلق یا ارگتیو را به

دست داد ولی جمله (۳۴) شاهدهی بر رد تعبیر مطابقه کُنائی-مطلق است زیرا که بار دیگر، شاهد حضور شناسه سوم شخص جمع [en-] در پایان ستاک اسم مفعول فعل متعدی در گویش‌های پاپونی، سُمغانی و مُسقانی هستیم و این شناسه نمی‌تواند به مفعول دوم شخص مفرد [to] اشاره کند. بنابراین، تعبیر ساخت کُنائی-مطلق در این سه گویش درست نمی‌باشد و این پدیده حاکی از آغاز تغییر در نظام مطابقه غیرفاعلی-مفعولی است. نکته آخر این که در گویش‌های سُمغانی و نودانی واژه‌بست فاعلی به لحاظ عروضی به مفعول صریح پی‌بست شده است.

۳۰. کدام خانه را خودش ساخت؟

بنافی	kæmu	xunæ	xo=f=ef	doros	kerd-i
پاپونی	kæmu	xunæ	xo=f=ef	doros	kerd-æ
دوسیرانی	kæmu	xunæ	xo=f=ef	doros	ke
ریچی	kæmu	xune-y-æ	xo=f	doros	ke
سُمغانی	kæmu	xunæ	xo=f=ef	doros	ke
گرگنایی	kæmu	xunæ	xo=f=ef	doros	kerd-æ
مُسقانی	kæmu	xunæ	xo=f=æ	doros	kerd-æ
نودانی	kæmu	xunæ	xo=f	doros=ef	kerd-e

در نمونه (۳۰)، بجز گویش ریچی، مطابقه در سایر گویش‌ها از نوع غیرفاعلی-مفعولی، رده سه‌جزئی است. در حالت بی‌نشان، واژه‌بست فاعلی در گویش بنافی به اولین سازه اصلی بند پی‌بست می‌شود ولی در سایر گویش‌ها، فعل اصلی میزبان پیش‌بست فاعلی می‌شود. با وجود این، به دلیل کاربردشناختی و ساخت اطلاعی مثل تاکید و تقابل، سازه خودش [xo=f] میزبان واژه‌بست فاعلی شده است. در گویش نودانی، سازه غیرفعلی فعل مرکب، میزبان واژه‌بست فاعلی شده است. در مُسقانی سازه [fæ] به معنای «او»، در مجاورت با صامت پایانی پی‌بست ملکی [f=] در ترکیب [xo=f+fæ] به شکل مخفف [xo=fæ] ظاهر شده است.

۳۱. چه کسی مرا صدا کرد؟

بنافی	ke-y=ef	jar-e	mæ	zæ
پاپونی	ki	jar-e	mo	of=zæ



دوسیرانی	ki	jar-e	mo=f	zæ
ریچی	ki	jar-e	mo	zæ
سمغانی	ki	bong-e	mo=f	vake
گرگنایی	ki	jar-e	mo	ef=zæ
مسقانی	ki	jar-e	mæ=fæ	zæ
نودانی	ki	jar-e	mo	ef=zæ

در نمونه (۳۱)، واژه‌بست سوم شخص مفرد [eɪ] در بنافی به سازه اول بند پیوست شده است. در گویش‌های دوسیرانی، سمغانی و مسقانی، به دلیل ساخت عروضی، مفعول صریح میزبان واژه‌بست فاعلی شده است. در گویش‌های پاپونی، گرگنایی و نودانی، فعل اصلی میزبان پیش‌بست فاعلی است. واژه‌بست فاعلی سوم شخص مفرد در مسقانی صورت [fæ] دارد. به جز ریچی، مطابقه در سایر گویش‌ها، غیرفاعلی-مفعولی و از رده سه‌بخشی است.

۳۲. تقریباً نصف غذا را خورده بودم.

بنافی	om	nesf-e	tʃi	xard-æ	bi
پاپونی	tæqribæn	nesf-e	xorak=em=om	xard-æ	bi
دوسیرانی	tæqribæn	nesp-e	xorak=om	xærd-æ	
ریچی	tæqribæn	nesp-e	xorak-em-æ	xard-æ	bið-om
سمغانی	tæqribæn	nesf-e	xorak=om	xær-sa	
گرگنایی	hududæn	nesp-e	xorak=om	xærd-æ	bi
مسقانی	yæ xorde-y	æz	xorak=om	xuværd-æ	bi
نودانی	tæqribæn	nesp-e	tʃi-yæ-ku	om=xærd-æ	bi

بر اساس داده‌های زبانی موجود، واژه‌بست فاعلی در بنافی غالباً مطابق با قاعده واکرناگل به صورت پی‌بست به اولین سازه بند اضافه می‌شود و یا در مواردی، مانند نمونه‌های (۱۴)، (۱۷)، (۱۸) در بند پایه و (۳۴) پیش‌بست فعل واقع شده است. بنابراین، در نمونه (۳۲)، نمی‌توان صورت [om] را (که به اول شخص مفرد اشاره دارد) واژه‌بست تلقی کرد زیرا صورت [om] نمی‌تواند پیش‌بست مفعول صریح واقع شود. بنابراین، در جمله (۳۲)، نقش یک ضمیر مستقل را ایفا می‌کند. در نودانی جزء غیر فعلی فعل مرکب، میزبان پیش‌بست فاعلی [om=] شده است. در

سایر گویش‌ها مفعول صریح، میزبان واژه‌بست فاعلی شده است. به استثنای ریچی، مطابقه در سایر گویش‌ها غیرفاعلی-مفعولی و از رده سه‌جزئی است.

۳۳. تازه خوابیده بودم که مرا صدا کردی.

بنافی	tazæ	xatesæ	<b>et</b>	biðar	kerdæ
پاپونی	tazæ	xateðæ	beð-æm ke	seða= <b>m=et</b>	ke
دوسیرانی	tazæ	xatessæðæm	ke	jare= <b>m</b>	<b>of=zæ</b>
ریچی	hæmi	xowsið- <b>om</b>	ke	jare= <b>om</b>	<b>zæd-i</b>
سمغانی	tazæ	xæfse	beðæm ke	bong= <b>om=et</b>	ke
گرگنائی	tazæ	xætiðæ	bið-æm ke	jare= <b>om</b>	<b>et=zæ</b>
مسقانی	hæmi ke	xow best-æm		jare= <b>om</b>	<b>te=zæ</b>
نودانی	hæmi ke	xateð-æm	ændey	jar= <b>om</b>	<b>et=zæ</b>

در جمله (۳۳) گویش بنافی از سازه [et] در بند متمم استفاده کرده است که به نظر می‌رسد مانند سازه [om] در جمله (۳۲)، نقش ضمیر مستقل را ایفا می‌کند. مطابقه در گویش‌های پاپونی، دوسیرانی، سمغانی، گرگنائی، مسقانی و نودانی از نوع غیرفاعلی-مفعولی، رده دوبخشی یا غیرفاعلی-غیرفاعلی است. به عبارتی، از دو واژه‌بست فاعلی و مفعولی استفاده شده است.

۳۴. شنیده‌ام که تو را از خانه بیرون کرده‌اند.

بنافی	<b>em</b> =fənof	ke	to	æ	xunæ	sæ:ra	kerd-e-ne
پاپونی	<b>om</b> =fæ:meðæ		to	æ	xunæ	dær= <b>efu</b>	kerd-e-yen
دوسیرانی	<b>om</b> =fæ:meðæ	ke	to	æ:	xunæ	dær= <b>efu</b>	kerd-e-sa
ریچی	efnoft-om-e	ke	to-n-æ	æ	xunæ	endaxte-ne	sæ:ra
سمغانی	<b>om</b> =fæ:meðe	ke	to	æ	xunæ= <b>fu</b>	vædær	kerd- <b>en</b>
گرگنائی	<b>om</b> =fæ:miðæ			æ	xunæ= <b>fu</b>	dær= <b>et</b>	kerd-æ
مسقانی	<b>om</b> =fæ:meðe	ke	to	æz	xunæ= <b>fu</b>	sæ:ra	kerd- <b>en</b>
نودانی	<b>om</b> =fæ:meðe	ke		æ	xunæ	dær= <b>et=fu</b>	kerd-e

در نمونه (۳۴)، به جز گویش ریچی، سایر گویش‌ها در بند پایه مطابقه غیرفاعلی-مفعولی دارند. در گویش بنافی، مانند نمونه‌های (۱۴)، (۱۷) و (۱۸)، واژه‌بست فاعلی بر خلاف قاعده معمول پیش از فعل اصلی ظاهر شده است. علاوه بر این، در بنافی، ساخت ماضی نقلی در بند پیرو، بر خلاف قاعده اصلی، مطابقه فاعلی-مفعولی دارد و از واژه‌بست فاعلی استفاده نشده است. در گویش‌های پاپونی، سُمغانی و مُسقانی در بند پیرو، به طور هم‌زمان از واژه‌بست فاعلی و شناسه فاعلی استفاده شده است. در دو گویش گرگنئی و نودانی، در بند پیرو از مطابقه غیرفاعلی-مفعولی، رده دویبخشی یا غیرفاعلی-غیرفاعلی و در گویش دوسیرانی از رده سه‌بخشی استفاده شده است.

۳۵. ای کاش از همان اول حقیقت را به او گفته بودم.

بنافی	kafke	hæmu	ævvæl	hæqiqæt-æ	æf	gote-bi-m
پاپونی	kafkæ æm	æz hæmu	ævvæl	hæqiqæt-æ	u	goftæ-bið-
دوسیرانی	kafke	æ	ævæl	hæqiqæt	æ unæ	om=got-sa
ریچی	kafke	hæmu	ævvæl	hæme-y tʃiyæ	æf	goftæ við-om
سُمغانی	kafke	hæmu	ævæl	hæqiqæt	bæ	u-yo
گرگنئی	kafka	æz hæmu	ævvæl	ras=om		goftæ bi
مُسقانی	ey kafke	hæmu	ævvæl	ras	æ u=om	gotæ bi
نودانی	kafka	æz	ævæl=ef	ras=ef	ʃæ=ʃ	om=goftæ bi

در جمله (۳۵)، مطابقه در گویش‌های بنافی و پاپونی در ساخت ماضی بعید متعدی، بر خلاف قاعده اصلی، فاعلی-مفعولی است. مطابقه در گویش‌های دوسیرانی، سُمغانی، گرگنئی و مُسقانی به صورت غیرفاعلی-مفعولی، رده سه‌بخشی است. در گویش نودانی، مطابقه غیرفاعلی-مفعولی از نوع غیرفاعلی-غیرفاعلی یا رده دویبخشی است.

۳۶. وقتی به خانه برگشتم، کتاب را به تو دادم.

پاپونی	væqti	vagæft-æm	æ xune	ketab-ku	om=da=t
--------	-------	-----------	--------	----------	---------

۳۷. حیف که گفته‌اند زنده بیرمت و گرنه همین جا می‌کشتمت.

پاپونی heyf ke **efu**=goftæ zendæ bærae-**m=et** yæni hæminjo **om**=mi-koft=**et**

۳۸. جویده باشم (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۸).

پاپونی **om**= kor tʃondæ b-æm

نمونه‌های (۳۶) و (۳۷) برگرفته از انصاری (۱۳۸۹: ۶۷، ۶۹) می‌باشد. بند پایه در جمله (۳۶) در ساخت گذشته فعل متعدی است و مطابقه در آن از رده غیر فاعلی-غیر فاعلی یا دوبخشی است. بند پیروی قیدی در جمله (۳۷)، یعنی، [om=mi-koft=et] نیز از رده غیر فاعلی-غیر فاعلی یا دوبخشی است. در این بند، واژه‌بست مفعولی به ستاک گذشته فعل متعدی پی‌بست شده است. در مثال (۳۸)، اسم مفعول فعل مرکب میزبان پیش‌بست فاعلی شده است.

۳۹. شما که این را می‌دانید، چرا عمل نمی‌کنید؟

بنافی to=t ke inæ mi-ðæn-ey si tse æmæl ne-mi-kon-i

۴۰. من نه ترکی می‌دانم و نه کردی.

بنافی mæ=**om** næ torki mi-ðæn-e næ kord-i

۴۱. این پیراهن قشنگ را از کجا خریدی؟

بنافی i jume-ye qeʃæng=t æ koja xereð-i (esæð-i)

مثال‌های (۳۹) و (۴۰) نشان می‌دهد که واژه‌بست فاعلی در بنافی، بر خلاف قاعده اصلی، در ساخت زمان حال ظاهر شده و به اولین سازه اصلی بند پایه اضافه شده است. همچنین، در جمله پرسشی (۴۱)، فعل متعدی در ساخت گذشته، علاوه بر واژه‌بست مطابقه با فاعل یا عامل، شناسه فاعلی نیز دارد.

۴۲. از بس غذا خورده است دیگر نمی‌تواند از جایش حرکت کند.

بنافی bæs ke tʃi xard-e ne-mi-tær-e væries-e

در مثال (۴۲)، بنافی به جای استفاده از گروه فعلی واژه‌بستی [ef=ne-mi-fa] از صورت فعلی مطابقهٔ فاعلی-مفعولی [ne-mi-tær-e] بهره گرفته است که در گونه‌های مجاور لری جاری است.

۴۳. به تو گفتم که نباید آن‌جا بروی.

بنافی om æ to gu næ-bayæs æ unjo be-f-ey

در مثال (۴۳) شاهد کاربرد صورت [om] (اول شخص مفرد) بدون میزبان در نقش یک ضمیر مستقل در گویش بنافی هستیم. چنین وضعیتی را در مثال‌های (۳۲) و (۳۳) نیز مشاهده کردیم.

#### ۴-۶. ساخت مجهول در گذشتهٔ ساده

داده‌های زبانی موجود در دفتر دوم گنجینه گویش‌شناسی فارس (سلامی، ۱۳۸۴: ۵۳)، فقط ساخت مجهول در زمان گذشته را به شکل (۴۴) صورت‌بندی کرده است:

فعل کمکی شدن (vabi) + صفت مفعولی

۴۴. انداخته شد.

بنافی	gos-æ	vabi
پاپونی	jomond-æ	vavi
دوسیرانی	ver dað-æ	vabi
ریچی	endaxt -æ	vabi
سمغانی	kærzið -æ	vabi
گرگنائی	endaxt-æ	vo:bi
مسقانی	bærond-æ	vabi

در ساخت مجهول، تمامی گویش‌های پیش‌گفته به طور یکسان مجهول می‌شوند. به باور نگارنده، در میان گویش‌های ایرانی غربی جنوبی، وجه مشترک گویش‌های لری جنوب از جمله گویش ریچی با گویش‌هایی که مطابقه دوگانه دارند، ساخت مجهول است.

### ۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که (۱) فقط گویش ریچی مطابقه فاعلی-مفعولی یک‌دست دارد و (۲) مطابقه در سایر گویش‌های مورد مطالعه، مرکب از مطابقه فاعلی-مفعولی و مطابقه غیرفاعلی-مفعولی است. مطابقه فاعلی-مفعولی در فعل‌های لازم فارغ از هر زمانی و فعل‌های متعدی در ساخت‌های زمان حال نمود می‌یابد. مطابقه غیرفاعلی-مفعولی در فعل‌های متعدی در ساخت‌های گذشته و کامل بازنمایی می‌شود. مطابقه غیرفاعلی-مفعولی در گویش‌های مورد بررسی غالباً رده سه‌بخشی است. در مواردی نیز رده دوبخشی یا غیرفاعلی-غیرفاعلی مشاهده شده است. همچنین، ستاک حال فعل رفتن، یعنی، [l] و مطابقه واژه‌بستی با دو فعل تملکی داشتن در زمان حال و ساخت کامل و فعل توانستن در زمان حال، ویژگی مشترک گویش‌هایی است که مطابقه دوگانه دارند. افزون بر این، ستاک گذشته فعل آمدن [ænd] و شناسه اول شخص جمع [um-] در گویش‌های مذکور، به استثنای بنافی، یکسان است. مطابقه با فعل داشتن در مفهوم نمود ناقص استمراری در زمان‌های حال و گذشته، در گویش‌های دوسیرانی، مُسقانی و بنافی و در زمان حال، در گویش سُمغانی به صورت واژه‌بستی است. با وجود این، نمود ناقص استمراری در گویش‌های پاپونی، گُرنائی و نودانی واژگانی است و از سازه‌های æsey, hey, ... بهره می‌برند. مطابقه واژه‌بستی با فعل خواستن در زمان حال، فقط در گویش‌های پاپونی، دوسیرانی و مُسقانی ولی در زمان گذشته، به جز بنافی، در سایر گویش‌های پیش‌گفته مشاهده شد. الگوهای بازنمایی واژه‌بست‌های مطابقه با عامل یا همان فاعل فعل متعدی، در حالت بی‌نشان، به جز در بنافی، به صورت پیش‌بستی است. به بیانی دیگر، در قلمرو فعلی، فعل اصلی میزبان واژه‌بست یا پیش‌بست فاعلی شده است. در مواردی، به دلایل کاربردی، ساخت اطلاعی، مثل تاکید و تقابل و ساخت عروضی به لحاظ آوایی، مفعول صریح میزبان پیش‌بست یا واژه‌بست فاعلی شده است. این الگو در گویش بنافی غالباً پی‌بستی است و

واژه‌بست فاعلی در قلمرو بند، مطابق با قاعدهٔ واکرناگل به صورت پی‌بست به اولین سازهٔ بند اضافه می‌شود. با وجود این، در مواردی نیز واژه‌بست فاعلی پیش از فعل اصلی ظاهر شده است. در میان گویش‌هایی که بخشی از نظام مطابقهٔ آن‌ها، غیرفاعلی-مفعولی است، فروپاشی اندکی در هم‌سوایی با مطابقهٔ فاعلی-مفعولی مشاهده می‌شود. این هم‌سوایی، در بنافی به دلیل مجاورت با گویش‌های فاعلی-مفعولی موجود در منطقهٔ زبانی خود، بیش‌تر است. کاربرد شناسهٔ اول شخص جمع [-im] در تقابل با [-um]، استفاده از ستاک گذشتهٔ فعل آمدن [umæð] در تقابل با [ænd]، به کارگیری دو مطابقهٔ فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی-مفعولی به طور هم‌زمان در چند نمونه، استفاده از مطابقهٔ فاعلی-مفعولی در ساخت گذشتهٔ متعدی و ارتقاء نقش واژه‌بست فاعلی به ضمیر شخصی جدا در چند مورد، نمونه‌هایی از این هم‌سوئی هستند.

#### منابع

- انصاری، هادی (۱۳۸۹). *بررسی زمان دستوری در گونه پاپونی گویش کوهمره‌ای و مقایسه آن با فارسی معیار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- جوکار، خداخواست (۱۳۸۸). *کمریند سبز فارس گامی در معرفی کوهمره، جروق و نودان*. شیراز: نوید.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج. ۲. تهران: سمت.
- دبیرمقدم، محمد و شهرام گرامی (۱۳۹۹). *مطابقه در گویش بهبهانی*. *ویژه‌نامهٔ نامهٔ فرهنگستان* (۱۰) صص. ۱۱۷-۱۴۶.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۴). *گنجینهٔ گویش‌شناسی فارس*. (دفتر دوم). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار.
- کریمی، یادگار، (۱۳۹۲). *مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وندالف*. اصفهان: مجلهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال چهارم. شمارهٔ دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- کشاورزی، سودابه. صیاد کوه، اکبر. سیادت، عسکر. (۱۳۹۸). *ساختمان صرفی فعل در گویش پاپونی کوهمرهٔ نودان*. *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. (نشریهٔ علمی). دورهٔ جدید- ۵ (۲)، پیاپی ۲۴.

- Anderson, S. R. (2005). *Aspects of the Theory of Clitics*. New York, Oxford: Oxford University Press.
- Comrie, B. (۱۹۷۸). *Ergativity*. In W. Lehmann (ed.). *Syntactic typology*. Sussex: The Hærvester Press.
- Spencer, A. (1991). *Morphological theory: An introduction to word structure in generative grammar*. Oxford: Basil Blackwell.

پیوست (۱) همخوان‌ها

همخوان فارسی	همخوان	معادل فارسی	همخوان	معادل فارسی	همخوان	معادل فارسی
h	ف	f	پ	p	ح	
tʃ	و	v	ب	b	چ	
ʃ	س	s	ت	t	ج	
m	ز	z	د	d	م	
n	ش	ʃ	ک	k	ن	
l	ژ	ʒ	گ	g	ل	
r	خ	x	ق	q	ر	
y	غ	ɣ	ذ	ð	ی	

پیوست (۲) واکه‌ها

واکه فارسی	واکه	معادل فارسی	واکه
او	u	ای	i
اُ	o	اِ	e
آ	a	آ	æ

پیوست (۳) نشانه‌های دیگر

واکه مرکب [ow] معرف [ow] در واژه کوثر است. [:] نشانه کشش مصوت، [ø] نشانه تکواژ صفر، / گونه یا مرز دو پاره گفتار، [ ] آوانویسی، ( ) عنصر درون آن اختیاری است، یا تاکید را نشان می‌دهد. «=» آغاز واژه‌بست (پیش‌بست یا پی‌بست) و نشانه «-» مرز تکواژ وابسته و یا واج میانجی را نشان می‌دهد. در آوانگاری چنانچه وند، پیش‌بست و یا پی‌بستی به تکواژهای آزاد اضافه نشده باشد، میان تکواژهای آزاد، فاصله وجود دارد. «ر.ک. به معنای رجوع کنید به».



## The Study of Alignment System in Banafi, Papuni, Dosirani, Richi, Somghani, Gorganaei, Mosghani and Nudani within Comrie's Framework (1978)

Shahram Gerami

### Abstract

The aim of the present study is to identify and compare the type(s) of the possible alignment/agreement system(s) in Banafi, Papuni, Dosirani, Richi, Somghani, Gorganaei, Mosghani and Nudani. This study, typologically, was conducted within Comrie's framework (1978) to represent S (subject of intransitive verb), A (subject of transitive verb), and P/O (object of transitive verb) in intransitive and transitive clauses. The agreement types are (a) Neutral, (b) Nominative-Accusative, (c) Ergative-Absolutive, (d) Tripartite, and (e) -----, for which he has not proposed any name, that is, the Oblique-Oblique type (Dabir-Moghaddam, 2012). This research is a descriptive analytical study, and the required linguistic data were collected from « Ganjīne-ye gūyeṣ-ḡenāsī-ye Fārs (A Treasury of the Dialectology of Fars). Vol. 2, compiled by Salami (1384) and two other works in Papun dialect. According to the research findings, only Richi followed dominant (full) nominative-accusative type among the dialects mentioned above. The alignment/agreement types in other dialects were classified into two types: (i) Nominative-Accusative system containing the intransitive verbs as well as the transitive verbs formed with the present stem, and (ii) Non-Nominative-Accusative system containing transitive verbs formed with the past stems which often illustrates Tripartite alignment/agreement type in the study. Among the dialects with nominative-accusative versus non-nominative-accusative systems, Banafi, more than other dialects studied, was losing its non-nominative-accusative properties, and this shift was from non-nominative-accusative to nominative-accusative structures.

**Keywords:** Agreement Types, Verbal Agreement Suffix, Nominative-Accusative Agreement System, Non-nominative-accusative Agreement System, Oblique Clitic